

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: برونو گیگ*
برگردان از: حمید محوی
۰۷ جنوری ۲۰۱۸

بی «دگرگونی رژیم» در تهران



برونو گیگ



دونالد ترمپ با همه تلاشی که به خرج داد تا بگوید «ایران در همه سطوح با شکست روبه رو شده»، که «ملت بزرگ ایران در پی سالها زیر فشار سرکوبگرانه به سر می برد»، که «از خوراک و آزادی بی بهره مانده»، که «هنگام دگرگونی فرا رسیده»، و «در وقت مناسب از مردم ایران پشتیبانی خواهد کرد»، ولی این بیانات رنج بی هوده ای بیش نبود. این

سخنرانی های پر شکوه هیچ کارائی در جریان واقعیت امور نداشته و نخواهد داشت. واشنگتن پرخاشگرانه علیه تهران می خواهد شورای امنیت را به جلسه ای تازه فراخواند. ولی چین و روسیه با هر گونه مداخله مخالفت خواهند کرد. هیچ روادید ملل متحد به نام «حقوق بشر» برای حمله به دولتی مستقل، هیچ «منطقه پرواز ممنوع» و نه هیچ «اصل مسؤولیت حمایت» نیز وجود ندارد. خواستاران جنگ باید این واقعیت را بپذیرند که ایران به سرنوشت لیبیا که به دست ناتو در سال ۲۰۱۱ از بین رفت، دچار نخواهد شد.

تنبیه از راه آسمان با توجه به نشدنی بودنش، واشنگتن را به بازی با کارت بی ثبات سازی درونی واداشته است. برای دستیابی به چنین هدفی، کارشناسان ستراتیژیک یک سری امکانات را بسیج کردند: سیل تبلیغات ضد دولتی به پشتیبانی مالی سیا (به ویژه با ایستگاه های رادیو که به زبان فارسی برای ایران برنامه پخش می کنند)، مأموران نفوذی از هر گونه در صفوف پرخاشگران اجتماعی در خیابانها به پشتیبانی اپوزیسیون های حاضر در محل یا در خارج از کشور. در نبود توانائی برای «دگرگونی رژیم» از بالا، کاخ سفید می کوشد تا این طرح را از پائین شندی کند. با هشدار برای کاربست «نیروی سخت» (hard power) و نیروی نظامی (و نیروی کشورهای هم پیمان)، «رژیم ملاحا» با «نیروی نرم» (soft power) ساخت ایالات متحده آمریکا هدف گرفته شده است. کاخ سفید چرخ گردانی از تحریف خبری را به گردش انداخت، ولی تضمینی برای نتیجه به دست آمده وجود نداشت و این دست کم چیزی ست که می توانیم در این باره بگوئیم.

برای در هم کوبیدن رژیمی که با خوی «نوکودن» های واشنگتن هم خوانی ندارد، بر پایه روشی پیشینه دار به مهمات گوناگونی نیازمندند. تجربه نشان می دهد که دست کم به سه ابزار کار مهم نیاز دارند:

(۱) جریان مخالف نیرومند نزد همآورد، (۲) گروه شبه سرباز کمکی، (۳) توانائی در دست اندازی مستقیم. در ایران به روشنی آشکار است که هیچ یک از این سه ابزارکار را در اختیار ندارند. جریان مخالف درونی وجود دارد، ولی این جریان پیش از آن که مخالف رژیم باشد مخالف دولت است. نظام سیاسی به این گروه آزادی کامل می دهد تا در روند انتخابات شرکت کنند. دیالکتیک میان «محافظه کاران» و «اصلاح طلبان» ساختار برخورد آنان و شیوه بیان در موضع گیری های داخلی را تعیین می کند، ولی بی آن که اصل موجودیت رژیمی را به خطر بیندازند که در انقلاب ۱۹۷۹ به قدرت رسید.

از همین رو توده ها به خیابان نیامدند تا رژیم سیاسی را زیر سؤال ببرند، بلکه پرخاشپیشان به جز موارد استثنائی بیشتر دلایل اقتصادی داشت. یک بار دیگر می بینیم که تبلیغات غربی با تحریف ناپسندانه به میدان می آید و همین امر باید برای ما معنی دار باشد.

حتا کنت راث دبیر اول «دیدبان حقوق بشر» را دیدیم که عکسی از تظاهرات مدافع دولت را به جای تظاهرات اعتراضی علیه رژیم به دست گرفته بود و نشان می داد. در این پندار که با گردهمایی پرخاشگران پیش درآمدی خواهد بود برای فروپاشی رژیم، واشنگتن برای دومین بار رویاهای طلائی اش را به جای واقعیت گرفت: نخستین بار هنگامی بود که ناراضیان و شورشیان را در تظاهرات ضد دولتی با هم اشتباه گرفت، دومین بار، هنگامی بود که نمی خواست ببیند که تظاهرات طرفداران دولت دست کم به همان اندازه مهم است.

چنین آرزویی برای «فروپاشی رژیم» در تهران به همان اندازه توهم آمیز است که برای دومین ابزار کار ضروری، واشنگتن دستش خالی می ماند: و آن هم نبود گله مزدوران جنگی برای انجام کارهای کثیف است. مرزهای ایران زیر دیدبانی موشکافانه ارتش ایران است، و تکرار سناریوی سوریه ناممکن خواهد بود. در سوریه، توده های شبه ارتشی وهایی را با تبنائی ناتو فرستادند و مردم سوریه ۶ سال نیاز داشتند تا به شکل جدی از دست آنان رهائی یابند. در ایران، هیچ نشانی وجود ندارد که بتوانیم تصور کنیم که چنین تهاجمی صورت گرفته باشد. شماری از افراد ممکن است از حلقه حفاظتی عبور کرده باشند ولی میزان و توان آزار رسانی شان بسیار ناچیز است. از هنگامی که داعش تار و مار شد، کار انترناسیونال تکفیرست نیز به پایان رسید. آخرین پایگاه القاعده در سنگرهای ادلب گیر خواهند کرد. ارتش سوریه پیوسته پیش می رود، سرزمین ملی را دوباره تسخیر می کند و «دگرگونی رژیم» در دمشق دیگر در دستور روز نیست.

برای فروپاشی «رژیم ملاحا» واشنگتن نه می تواند روی مخالفان درونی حساب کند و نه روی مزدوران شبه ارتشی و نه این که دست یازی نیروی ارتشی در همآوردی رو در رو کارائی خواهد داشت. مخالفان درونی با این گونه راه کارها موافق نیستند، مزدوران شبه ارتشی نیز در حال ناپدید شدنند، و جنگ علیه ایران نیز محکوم به شکست است. «دگرگونی رژیم» در لیبیا به دلیل بمباران هوائی پیروز شد ولی در سوریه با این که گله های مزدور را فرستاده بودند با شکست روبه رو شد. ولی چنین نقشه ای در ایران هیچ شانسی ندارد. مردم ایران به ویژه زیر فشار مجازات های همان دولت خارجی هستند که می خواهد به آنان درس «حقوق بشر» نیز بدهد.

این واقعیت که برخی قشرهای اجتماعی خواهان دگرگونی هستند خیلی طبیعی ست، و در این صورت همه چیز به رژیم بستگی خواهد داشت که چگونه به فراخواسته های آنان پاسخ بگوید. رئیس جمهور روحانی خشونتها را محکوم کرد. ولی او بدرستی قانونیت نارضایتی های اجتماعی تأیید کرد، اقدامات ضد مردمی نیز برچیده شد. و باید دانست که مردم ایران قصد ندارند برای خشنودی ساکنان کاخ سفید به جان یکدیگر بیفتند.

بی گمان وضعیت برای فقیرترین ها خیلی سخت است، ولی ایران همه چیز هست به جز کشوری در حال ورشکستگی. با وجود مجازات هایی که واشنگتن تحمیل کرده است، ایران در سال ۲۰۱۶ گسترش چشم گیری داشت. اقتصاد کشور میزان ۶،۵٪ را نشان می دهد و بدهی دولت به ویژه ناچیز است (۳۵٪ تولید ناخالص داخلی). ولی میزان بی کاری بالاست (۱۲،۵٪) و به ویژه جوانان ها از آن رنج می برند. ایران دچار بحران رشدی ست که به تنش های اجتماعی دامن می زند، با یادآوری این نکته که امتیازات بورژوازی معامله گر با اصلاحات لیبرال که با خواست و توافق دولت همراه بوده به این تنش ها وسعت بیشتری داده است.

ایران نفت خود را صادر می کند، ولی دارای سرمایه خارجی نیست. واشنگتن در انتظار فرصت مناسب و کمترین نشان ناتوانی خواب جنبش بزرگی را می دید که بتواند رژیم را متزلزل کند. ولی چنان که می بینیم، این خواست شدنی نشد، و تجاوز ایالات متحده به هدف اصابت نکرد. ولی از چنین طرحی باز نخواهد ایستاد، زیرا ایران از مدت ها پیش در مگسک جنگ آفرینان است.

خواست اجباری و بیمارناک «نئو کودن ها»، مبارزه علیه تهران است که به آغازه های جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹ باز می گردد. این خواست اجباری و بیمارناک با حمله عراق آغاز شد که غرب جنگ افزارهایش را پیشکش کرد و رژیم های سلطنتی نفتی نیز امکانات مالی آن را به عهده داشتند (۱۹۸۸-۱۹۸۰). و سپس با عملیات تروریستی مוסاد و سیا ادامه یافت، یعنی با همان تروریسمی که تبلیغات غربی ایران را به آن متهم می کرد. این روند با اختراع «تهدید هسته ئی ایران» در آغاز سالهای ۲۰۰۰ گسترش یافت. روشن است که موضوع حقوق بشر برای ترمپ اهمیتی ندارد ولی موضوع هسته ئی پشت پرده بحران کنونی ست. در واشنگتن، به شکل معجزه آسائی ائتلاف مقدسی علیه ایران تشکیل شده است. ایران هرگز به کشورهای همسایه اش تجاوز نکرده، ولی امکان این که بتواند به چتر هسته ئی مجهز شود و به انحصار اسرائیل در منطقه پایان دهد برایشان تحمل ناپذیر است. «دگرگونی رژیم» سقط جنین کرد، ولی روشن است که ترمپ توافقات سال ۲۰۱۵ را ناکام خواهد گذاشت.

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/ ۶ جنوری ۲۰۱۸

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/pas-de-regime-change-a-teheran/5622023>

مرکز پژوهش جهانی سازی، ۴ جنوری ۲۰۱۸

* درباره برونو گیگ : مقام عالی رتبه دولت فرانسه، مقاله نویس و سیاست شناس، استاد فلسفه در دبیرستان و استاد یار روابط بین المللی در دانشگاه رنویون. او نویسنده ۵ کتاب است «منشأ جنگ اسرائیل و عرب، ندامت پنهان غرب، هارماتان ۲۰۰۲»، «آیا باید لنین را سوزاند؟»، «دلایل برده داری» از جمله این کتابهاست و صدها مقاله. برونو گیگ بخشدار شهر سنت، در سال ۲۰۰۸ به دلیل نوشتن جمله ای که به «نباید گفت ها تعلق دارد» یعنی افشای «ارتش اسرائیل کودکان فلسطینی را به قتل می رساند» توسط میشل آلیو ماری وزیر کشور فرانسه از مقام خود بر کنار شد.